

(سرود آزادی)

دژ و دژخیم

با هجای بی حرمت شب

از ترکیب دهشتناک ستم

جمله های خونباری

برای فرهنگ تفنگ نوشتند

دار ، تیرباران

تا بزعم خود آزادی را خفه نمایند

و آفتاب را بدار شب بیاویزند

مگر فراموش کردند

نیستان را سر ببرند

که هنوز آزادی در فریاد پر خروش

گلوی نیستان را می تپاند

آنها فراموش کردند

که راه عبور نور را از میدان نبرد

تا جولانگاه ی مبارزه

برای رهای بی ببندند

جغد در ویرانه های شب

برای جشن خون

آواز میخواند

ومرد مبارز برای طلوع آفتاب در سنگر

سرود آزادی را بلند و بلند تر میخواند .

(ثوریان)

در شکست پر افتضاح و یاس آمیز

برزورق شکسته ی ثور

تنها و بی مقدار خسانی که باران را

باور ندارند

و غرش تندر را

از گلوی ساحل نشینان

اسطوره ساز .

ثوریان

با همان پاهای چوبین

و جلپاره های بی حیایی

بر دوش

هنوز هم اعمال شانرا

با باور پوشالی

برآب می رانند

ناخدایان بدنام

پرچم نشاندار (هفت و هشت ثور) را

در هراس از غرق شدن بیشتر

و نهان شدن از نگاه ی تیز عقابان بلند پرواز

در بادبان های کاغذی که گستاخانه می نویسند

می پیچند

مگر توفان برخاسته

از قعر دریا

(ثوریان) وزورق شکسته ی شانرا

هرچه محکمتر به صخره های تاریخ خواهد کوبید

و متلاشی خواهد

کرد

وقتی آفتاب

از حصار شب بدر آید

و بر بستر دریا

گرد طلا بپاشد

فراز دگل هودیج ، دریاییان

درفش آزادی را

باد های مست پاروپامیزاد

به اهتزاز خواهند آورد

که از آن دور های دور

از آنسوی قطب شمال

تا کرانه های رود گنگا

از فراز درخستان آمازون

تا شهر ستاره ساز هالیوود

نمایان خواهد بود

و عقابان تیز پر

بر فراخنا ی آسمان آبی آزاد

بلند تر پرواز خواهند نمود .